

وحدت هنری یادمان‌های آرامگاهی مدور سبک آذری (نواحی اران و آذربایجان) در سده‌های ۸ تا ۹ هجری

حسن یوسفی*، جواد نیستانی**، علیرضا هژبر نوبری***، سید مهدی موسوی کوهپر****

تاریخ دریافت مقاله :

۱۳۹۴/۰۸/۲۸

تاریخ پذیرش مقاله :

۱۳۹۴/۱۲/۲۵

چکیده

تجلی مقابر برجی شکل مدور بر روی مزارات شخصیت‌های مذهبی - سیاسی در سده‌های ۸ و ۹ هجری، بر شکل‌گیری شیوه خاص معماری یادمان‌های آرامگاهی در حوزه کشورهای فعلی دو سوی شمالی و جنوبی رودخانه ارس تا آناتولی شرقی دلالت دارد. در این شیوه معماری، که باید از آن تحت عنوان سبک آذری در نواحی اران - آذربایجان یاد کرد، در چیدمان بدنه بیرونی مقابر و تزیین هنری سطوح بناهای آرامگاهی، به طور نسبتاً یکسان، از کلوک و آجرهای ساده و لعابدار فیروزه‌ای و لاجوردی استفاده شده است. شناسایی شش مقبره برجی شکل در قفقاز جنوبی، آذربایجان و آناتولی شرقی و تأثیر آن در سایر بناهای مذهبی، از جمله یافته‌های این تحقیق است. مهم‌ترین عوامل ایجاد و توسعه سبک هنری یادمان‌های تدفینی اران و آذربایجان در محیط جغرافیایی یکسان و مرکزیت سیاسی، انگیزه‌های مذهبی و اجتماعی، هویت متجانس فرهنگی و قومی دسته‌بندی می‌شود. سبک خاص هنری مورد بحث بر تعالی معرفت‌شناسی و شخصیت‌های مؤثر مذهبی و سیاسی این نواحی در بنیاد و توسعه چنین سبک و کاربرد یکسان آن برای افراد سیاسی و مذهبی نواحی شمال غربی دریای مازندران دلالت دارد. بنا بر تحقیق حاضر، ممتازترین یادمان‌های آرامگاهی مدور، در مقبره جد شهریاران صفوی در اردبیل به تجلی رسیده است.

این مقاله با رویکرد تاریخ فرهنگی و با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی و ابزار گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای انجام گرفته است. هدف مقاله نیز بازشناخت و بررسی ویژگی‌های هنری و فنی و گاه‌نگاری مقابر مدور نواحی اران و آذربایجان و مطالعه عوامل تأثیرگذار جغرافیایی، سیاسی، محیط فرهنگی، اجتماعی و هویت متجانس قومی در ایجاد یادمان‌های همسان در سده‌های مورد نظر تا توقف ساخت آنها مقارن با ظهور صفویان است. پرسش‌های اصلی پژوهش این است که: چه عواملی در ایجاد و گسترش مقابر مدور برجی شکل همسان در سده‌های ۸ و ۹ هجری در حوزه سرزمین‌های شمال غربی دریای مازندران نقش داشته است؟ شخصیت‌های مدفون در این مقابر بیشتر مذهبی هستند یا سیاسی؟ کدام مقبره در این حوزه، از نظر هنری، ممتاز محسوب می‌شود؟ کلمات کلیدی: نواحی غربی دریای مازندران، یادمان‌های آرامگاهی، برج مقابر مدور، قرن هشتم و نهم هجری.

*دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس rymh2012@yahoo.com

**دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) jneyestani@modares.ac.ir

***استاد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس hejebri@modares.ac.ir

****دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس m_mousavi@modares.ac.ir

مقدمه

ایران فرهنگی گسترده‌ای است با فرهنگ‌های بومی متنوع که نقطه شمالی آن قفقاز شمالی، بخش جنوبی آن حاشیه جنوبی خلیج فارس، شرقی‌ترین نقطه آن رودخانه سند و غربی‌ترین بخش آن تا دجله امتداد دارد. حاشیه غربی و جنوبی دریای مازندران تا آناتولی شرقی و فلات مرکزی ایران از نقاط حساس ایران‌زمین با شرایط جغرافیایی و فرهنگی خاص است. این جغرافیای وسیع در دوره‌های مختلف، به‌ویژه عصر اسلامی، نقش مؤثری در وحدت سیاسی ایران و دفاع از تمامیت ارضی و هویت آن داشته‌است. نگاهی به آثار مادی و معنوی نواحی دو سوی شمالی و جنوبی رودخانه ارس، از هویت و رسوم یکسان قومی، زبانی و وحدت فرهنگی آن با ایران حکایت دارد. مباحث عمده تمدنی این بخش از ایران در یادمان‌های تدفینی دوره‌های قبل از اسلام و اسلامی قابل مطالعه است. فرهنگ کورا ارس در دوره‌های قبل از اسلام و یادمان‌های تدفینی خاص در دوره اسلامی، بخشی از تحولات معماری ایران را می‌نمایاند. از همین رو، هنر و معماری دوره‌های مختلف وجهی از مظاهر فرهنگی هر ملت و بازتاب هویت آنهاست (پوپ، ۱۳۸۱: ۵۲). بررسی تحولات معماری یادمانی در حاشیه غرب دریای مازندران حاکی از خلاقیت و مهارت طراحان و معماران این نواحی در ساخت مقابر مدوّر و ابداع طرح‌های هنرمندانه در تاریخ معماری ایران و ایجاد شیوه هنری خاص در سده‌های ۸ و ۹ هجری است. به بیانی روشن‌تر، برجسته‌ترین شاخصه معماری سده‌های مورد بحث، که مقارن با بنیاد شهرک‌های دانشگاهی و مجموعه‌های سترگ

مذهبی - آموزشی در مراکز مهم سلسله ایلخانان تا عصر صفوی است، شکل‌گیری یادمان‌های آرامگاهی با عنوان مقابر مدوّر منتسب به شخصیت‌های مذهبی و سیاسی در نواحی شمالی و جنوبی ارس است. جداره صاف این برج مقابر که با ترکیب آجرهای ساده یک‌اندازه افقی - اریب در میان آجرهای لعابدار به شکل عمودی - اریب تزیین شده، نشان‌دهنده ظهور شیوه نوین در ساخت یادمان‌های تدفینی است.

در این جستار کوشیده‌ایم بناهای آرامگاهی مدوّر سده‌های ۸ و ۹ هجری از منظر رویکرد تاریخ فرهنگی مطالعه شود و وجوه پدیدارشناسی هنری، نگاره‌شناسی، گاه‌نگاری و سبک هنری آنها بررسی گردد و نقش متقابل اقلیم و موقعیت جغرافیایی و هنر بر یکدیگر و تأثیر عوامل سیاسی و مذهبی و یکپارچگی قومی در ایجاد چنین آثاری مورد توجه قرارگیرد. هدف از تألیف این مقاله، مطالعه گونه‌شناختی و تطبیقی مقابر مدوّر قلمرو شمال غربی دریای مازندران، اران، آذربایجان و آناتولی شرقی و نقش عوامل تأثیرگذار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دوره‌های تاریخی مورد نظر در ایجاد و توسعه مقابر مدوّر در مناطق مذکور است. افزون بر این، با توجه به اهمیت بحث یادمان‌های تدفینی در معماری مذهبی ایران و نگاه یک‌جانبه و ناقص برخی محققان به موضوع که فقط از منظر تصوف بوده‌است، در این تألیف سعی شده ضمن معرفی کامل مقابر مدوّر سده‌های ۸ و ۹ هجری، نقش عوامل مختلف جغرافیایی، انسانی و فرهنگی در سیر تحول آنها بررسی شود. بنابراین، در پژوهش حاضر، مقابر مدوّر نواحی دو سوی شمال و جنوب ارس و شرق آناتولی به طور کامل از



دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

حسینی، سید هاشم (۱۳۸۹). «معرفی سبک مقبره‌سازی متصوفه آذربایجان»، نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، ش ۴۳.

دانشوری، عباس (۱۳۹۰). «مقابر برجی سده‌های میانی ایران؛ مطالعه‌ای نگاره‌شناسی»، ترجمه دکتر جواد نیستانی و زهره ذوالفقاری کندری، تهران: سمت.

در پژوهش اول و دوم، فقط یک برج مقبره در جمهوری آذربایجان و بقاع شیخ صفی‌الدین و شیخ حیدر به عنوان یک شیوه معماری تحت‌تأثیر تصوف در شمال‌غربی ایران مورد بررسی قرار گرفته‌است. این بررسی مختص سده‌های ۷ و ۸ هجری است و مقابر نواحی آناتولی شرقی و دو سوی شمالی و جنوبی رودخانه ارس در آن فراموش شده‌است؛ در پژوهش سوم، مقابر سده‌های میانی مدنظر قرار گرفته و از نمونه‌های این منطقه وسیع، فقط به گنبد‌های مراغه و گنبد سلطانیه اشاره شده‌است و از مقابر مدوّر دو سوی شمالی و جنوبی رودخانه ارس و آناتولی شرقی به عنوان بخشی از ایران فرهنگی در دوره مورد بحث خبری نیست.

وجه اشتقاق نام و اصطلاح مقابر مدوّر برجی

هرچند در تعریف یادمان‌های تدفینی برجی شکل، که بخش بسیاری از آثار تاریخی فرهنگی - مذهبی ایران را به خود اختصاص می‌دهد، مقابر مدوّر، چهارضلعی و چندضلعی (دانشوری، ۱۳۹۰: ۲۱-۲۲) مدنظر است، منظور از مقابر برجی در این پژوهش، صرفاً، یادمان‌های استوانه‌ای شکل آجری رفیع با گنبدی

منظر جغرافیایی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر این دوره مطالعه و بازنگری شده‌است. از این رو، مقاله حاضر می‌کوشد تا به پرسش‌های ذیل پاسخ گوید:

- عوامل تأثیرگذار در ایجاد و گسترش مقابر مدوّر برجی سده‌های ۸ و ۹ هجری در حوزه شمال‌غرب دریای مازندران کدام است؟

- میزان اختصاص یافتن اندک این مقابر به شخصیت‌های مدفون مذهبی یا سیاسی در آن نسبت به یکدیگر چیست؟

- از نظر شکوفایی هنری، کدام یک از مقابر مدوّر مطالعه‌شده، ممتاز محسوب می‌شوند؟ فرضیه‌های مقاله نیز عبارت‌اند از:

- در ایجاد معماری مقابر مدوّر همسان نواحی شمال‌غرب دریای مازندران، عوامل تجانس قومی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و سیمای زمین‌ساختی و اقلیم همسان تأثیرگذارند.

- نتیجه بررسی نشان‌دهنده آن است که همه این مقابر صرفاً برای اشخاص مذهبی ساخته نشده، بلکه این یادمان‌ها، به طور مساوی، به شخصیت‌های سیاسی نیز اختصاص دارد.

- مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی با تنوع تزئینات کتیبه‌ای و غیرکتیبه‌ای، ممتاز محسوب می‌شود.

پیشینه تحقیق

تحقیقاتی که در دو دهه اخیر درباره مقابر برجی شکل حوزه وسیع شمال‌غرب دریای مازندران انجام شده، به شرح ذیل است:

کارگر، محمدرضا (۱۳۷۲). «مقابر اسلامی و پایگاه فرهنگی آن در شمال‌غرب ایران: آذربایجان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته باستان‌شناسی،



نیم‌کروی یا مخروطی‌شکل، از داخل به طرز مدوّر و از خارج مخروط ساده و ظریف سده‌های هشت و نه هجری است که در سراسر بدنه مدوّر، تزیینات کوفی چهارگوش با اسماء جلاله الله محمد، علی و با استفاده از آجر یا کلوک لعابدار فیروزه‌ای، لاجوردی در میان آجرهای ساده اجرا شده‌است.

یادمان‌های مدوّر نواحی غربی دریاچه

مازندران

قدمت مقابر مدوّر یا کورگان^۱ (کروملیچ) منطقه وسیع شمال‌غرب دریای مازندران و جنوب رودخانه ارس، به دوره پیش از تاریخ می‌رسد. قدیمی‌ترین نمونه چنین تدفینی از محوطه باستانی لاریجان آذربایجان شرقی (هژبر نوبری، ۱۳۸۹: ۱۷)، متعلق به عصر مس و سنگ قدیم شناسایی شده‌است؛ ضمن آنکه قدمت چنین تدفینی در قفقاز و شمال ارس از محوطه کوشناوارا (همان: ۶۶) به عصر مفرغ قدیم می‌رسد. اینکه کورگان‌ها در سطح زمین بالای مدفن بنایی داشتند یا نه، چیزی نمی‌دانیم. با وجود آنکه در عصر آهن نیز تدفین با شیوه‌های خاص در گورستان‌های محوطه‌های نزدیک محل استقرار انجام می‌شد، از یادمان‌های تدفینی مدوّر در فلات ایران و شمال‌غرب آن گزارش نشده‌است. یادمان‌های تدفینی دوره‌های تاریخی شمال‌غرب ایران متناسب به مادها به علت مشخص نبودن دقیق مذهب آنها، از مباحث پیچیده تاریخ مذهبی ایران است. در فرهنگ ماد، تدفین در فضاهای کنده‌شده در دل صخره کوه‌ها (همایون، ۱۳۶۳: ۸۰ / ۱) انجام می‌شد؛ هم‌زمان با هخامنشیان، ساخت مقابر در دوگانه مصطبه شیروانی‌شکل در فضای آزاد چون مقبره کوروش و فضاهای تدفینی

کنده‌شده در صخره‌ها (هیلن‌براند، ۱۳۷۹: ۵۸) با تزیینات متنوع پرکار در نمای مقابر ادامه‌یافت؛ هرچند در عصر ساسانی تدفین مردگان در خاک به سبب فرهنگ مذهبی زرتشتی (همان: ۵۹) وجود نداشت، یادمان‌های مذهبی مرتبط با تدفین مردگان، همان سکوه‌های برافراشته (همان‌جا) یا برج‌های مدوّر خاموشان (آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۵: ۵۷) است که با مصالح خشت و چینه ساخته می‌شد که نمونه آن در بندیان درگز خراسان شمالی (چاپچی، ۱۳۸۴: ۸۲) شناسایی شده‌است.

هم‌زمان با دوره اسلامی، شاهد ایجاد یادمان‌های تدفینی به‌ویژه مقابر مدوّر در نقاط مختلف ایران و شمال‌غرب دریای مازندران هستیم. نمونه‌های موجود اولیه مقابر مدوّر ایران عبارت‌اند از: گنبد قابوس (۳۹۷ق) یادمان امیر زیاری، گنبد علی ابرقو (۴۴۸ق) تداعی‌کننده دخمه زرتشتیان یا برج خاموشان، برج لاجیم (۴۱۳ق) یادبود بانویی از باوندیان، برج رزگت یا رسکت (اوایل سده ۵ هجری)، گنبد سرخ مراغه (۵۴۲ق) به یادبود امیراحمد یلی، برج رادکان کردکوی (۴۶۰ق)، برج رادکان خراسان (۶ هجری)، بقعه پیر تاکستان (سلجوقی)، برج یوسف‌بن قصیر (۵۵۷ق) در نخجوان، برج مؤمنه‌خاتون (۵۸۲ق)، برج طغرل ری (۴۴۶ق)، برج بسطام (۷۰۰ق)، کشار کاشمر، برج دماوند معروف به امامزاده شبلی (۶۸۸ق)، برج علاالدین ورامین (۶۸۰ق)، برج مقبره سه گنبد ارومیه (۵۸۰ق)، برج مقبره حمدالله مستوفی (ایلخانی)، امامزاده جعفر دامغان (۶۶۴ق) و امامزاده جعفر اصفهان (۷۲۵ق). با وجود آنکه شکل مقابر مدوّر شمال‌غرب دریای مازندران در سده‌های ۸ - ۹ هجری قابل مقایسه با دوره‌های گذشته است، این مقابر از نظر معماری اختلاف کلی با مقابر قبل



صاف. تنها تفاوت این مقابر با دیگر مزارات برجی شکل پیشین، تجلی خطوط کوفی مربع و گاه معقلی است. این شیوه نوین هنری با آجر برای زینت جداره یادمان‌های آرامگاهی، از نقش و اهمیت رنگ در معماری و ادبیات عرفانی حکایت دارد.

برج مقبره بردع

بردعه در شمال جمهوری آذربایجان و در مختصات جغرافیایی ۴۰ درجه و ۲۲ دقیقه و ۲۰ ثانیه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۷ دقیقه و ۲۲ ثانیه طول شرقی قرار دارد. بردع نه تنها در دوره عصر ساسانی از مراکز مهم بنیاد فرهنگ ایرانی است، بلکه در سده‌های ۳ - ۴ هجری نیز نقش مؤثری در گسترش فرهنگ اسلامی داشت. در این نقطه، آثار معماری اسلامی متعددی وجود دارد که مهم‌ترین آنها برج مقبره بردع توربه‌سی (معروف به نوشابه قلعه‌سی، خانیم نوشابه قلعه‌سی) است. این مقبره به احمدزاجی بنا (Aslanapa, 1979: 93-97) نیز منتسب است.

مشخصات معماری: این مقبره متشکل از سردابه و گنبدخانه ده‌ضلعی منتظم است (تصاویر ۲، ۳، ۴). ارتفاع آن ۱۴ متر (با احتساب گنبد مرمت‌شده) و قطر آن ۹،۳۰ تا ۱۰ متر بوده و با گنبد دوپوش آجری پوشیده شده‌است. پلان سردابه مقبره دو مستطیل متقاطع یا هشت‌گوش محقر با چهار ردیف سنگ تراش‌خورده و پوشش دخمه‌ای مشخص است. ازاره بنا تا سقف سردابه از سنگ‌های تراش‌خورده کرسی‌چینی شده‌است. کرسی‌ها در سه ردیف بوده و در زمان مرمت بنا در ۱۹۵۴، به چهار کرسی افزایش یافته‌است. سقف مقبره از داخل به شکل مخروطی با مقرنس، کاشی

از خود دارند (تصویر ۱). در این بررسی، ۶ برج مقبره موجود همسان در حوزه جغرافیایی شمال غرب دریای مازندران و با در نظر گرفتن تقدم و تأخر تاریخی مورد بررسی قرار گرفته‌است: الف. بردع توربه‌سی یا گنبد بردع در جمهوری آذربایجان؛ ب. بقعه شیخ حیدر در مشکین‌شهر؛ ج. قراباغ‌لار توربه‌سی یا آرامگاه گودی‌خاتون در جمهوری نخجوان؛ د. مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی در اردبیل؛ هـ. بقعه روستای گوی‌گنبد شهرستان ورزقان در استان آذربایجان شرقی؛ و. مقبره زینال‌بیگ توربه‌سی، پسر اوزون‌حسن، در حصن کیف کشور ترکیه (تصویر ۱).



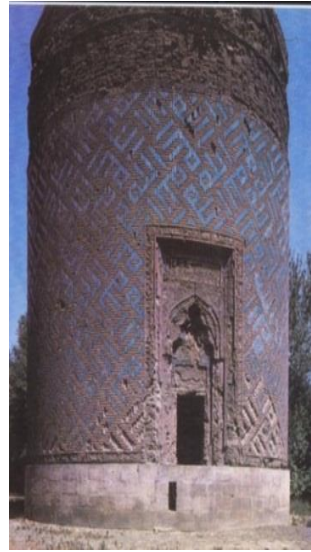
تصویر ۱. مکان‌یابی برج مقابر سبک آذری در دو سوی شمالی و جنوبی رودخانه ارس

(منبع: <https://maps.google.com/maps?hl=en&tab=wl> با دخل و تصرف)

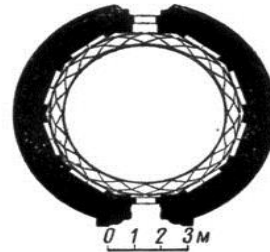
شاخصه کلی مقابر مدوژ سده‌های ۸ - ۹ هجری مورد بررسی در این مقاله را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد: کرسی چینی و ازاره سنگی با بدنه آجری، طراحی اتاق محقر نیمه‌زیرزمینی، فضای خالی بالای سردابه تدفینی، کلید آذری، بام مخروطی و قوسی، وجود یک یا دو مدخل محرابی، کاربرد نوار کتیبه کاشی معرق در محل اتصال استوانه به گنبد، استفاده از آجرهای کامل یا کلوک ساده و لعابدار فیروزه‌ای و کبود پخته با کیفیت خوب، طراحی و چیدن آنها به طرز عمودی و افقی و اریب در سرتاسر برج مقبره در یک سطح



و نقوش هندسی است. «گنبد درونی مقبره که در ابتدا با تاج مخروطی کاشیکاری جلوه‌گر بود، در نیمه دوم سده بیست میلادی، جای خود را به سقف مخروطی فعلی داده‌است» (Bosworth, 1983: 779-780). این بنا دارای دو مدخل در شمال و جنوب با مقرنس‌های آویزان عقب‌نشسته و نوارهای تزئینی کاشی و کتیبه‌های معرق عربی است.



تصویر ۲. مقبره بردعه توربه‌سی (منبع: دکتر علی معلم)



تصویر ۳. پلان مقبره بردعه توربه‌سی (منبع: دکتر علی معلم)



تصویر ۴. پلان سردابه مقبره بردعه توربه‌سی (منبع: دکتر علی معلم)

در فضای داخلی طاق‌نماهایی (نغول) به بلندی ۸,۷ متری مشاهده می‌شود که شروع آن از ارتفاع ۲ متری است؛ به عبارتی، دیوارهای داخلی مقبره با طاق‌نماهای تاجدار گچبری‌شده با قوس‌های تیز بالا آمده‌است. محل اتصال ساقه به خیز سقف گنبد نیز با سه ردیف مقرنس و بالای دور استوانه مقبره، ردیفی از بقایای متن قرآنی منتخب از آیات النبأ مشاهده می‌شود که بر زیبایی ساختمان افزوده است. در بدنه آجری، کلمه الله به شیوه کوفی چهارگوش، بیش از ۲۰۰ بار تکرار شده‌است (تصویر ۵). «تزیین ساده آجری و چندرنگ آن سبب تضاد با حرکات پیچیده مقرنس مدخل بنا شده‌است» (هیل و گرابر، ۱۳۸۶: ۷۹). نام معمار در سردر جنوبی آن با عبارت عمل محمد بن احمد (ایوب) بن الحافظ البنا النخجوانی مشاهده می‌شود.



تصویر ۵. تزیین بدنه برج مقبره بردعه توربه‌سی (منبع: نگارنده)
تاریخ بنا: این مقبره از نخستین نمونه‌های مقابر مدوّر شمال‌غرب دریای مازندران در نیمه اول سده ۸ هجری بوده و برابر کتیبه سردر جنوبی، فی شوال سنه اثنی‌عشرین و سبعمائه، در تاریخ ۷۲۲ هجری ساخته شده‌است.

بقعه شیخ حیدر

بقعه شیخ حیدر که در ۱۸ تیر ۱۳۱۱ ش با شماره ۱۸۴ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده، در مشکین‌شهر قرارداد و مختصات جغرافیایی آن به طول ۴۷ درجه و ۱ دقیقه و ۷ ثانیه و عرض ۳۸ درجه و ۳۴ ثانیه است. این اثر مزار یکی از

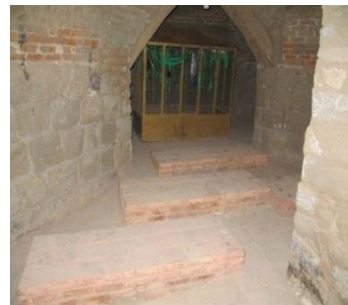


شخصیت‌های معروف دینی منطقه به نام شیخ حیدر است.

مشخصات معماری: این یادمان با ارتفاع ۱۸ و قطر ۱۰,۹ متر (قطر داخلی ۸ متر) از بیرون استوانه‌شکل و از داخل به شکل دوازده‌ضلعی منتظم بوده و بر روی پی سنگی ساخته شده است. در چهارسوی این مقبره، چهار سردر با کاشی معرق قاب‌بندی شده دیده می‌شود. بقعه متشکل از دو طبقه: برج استوانه و دو فضای نیمه‌زیرزمینی هشت‌گوش به اضلاع تقریبی ۲,۲ متر و مستطیلی ۱,۲۰ و ۳,۴۰ متر در امتداد هم است (تصویر ۶ و ۷).



تصویر ۶. بقعه شیخ حیدر مشکین شهر (منبع: نگارنده)



تصویر ۷. سردابه بقعه شیخ حیدر (منبع: نگارنده)

نیمه‌زیرزمینی از طریق راهرویی با قوس کلیل آذری به عرض تقریبی ۱۰۰ سانتیمتر و سه پله سنگی به ارتفاع متوسط ۵ سانتیمتر و با کف پله ۳۷ سانتیمتر در شمال امکان‌پذیر است. البته، سردر اصلی بقعه نیز در شمال بدنه تعبیه شده است و در جهات جنوبی، غربی و شرقی سه روزنه (طاق‌نما) با تزیینات مقرنس و کاشی معرق فیروزه‌ای، لاجوردی، سفید و سیاه مشاهده می‌شود. جداره مدوّر استوانه با آجر نره و کاشی گره‌سازی شده و خط بنایی زیبایی دارد. تا زمان مستندنگاری کتیبه بدنه اثر، اکثر قریب به اتفاق محققان بر این باور بودند که تزیینات تکراری در لابه‌لای آجرهای ساده، کلمه مقدس الله است، ولی بازنگری آن توسط آقای قوچانی منجر به قرائت آیات ۲۷ تا ۲۹ سوره فتح در این اثر گردید. مساحت این کتیبه قرآنی ۲۳۷,۱ مترمربع است. طراحی کتیبه قرآنی در جداره بقعه و رگ‌چین جناحین مدخل در شمال بنا با نقش دو مثلث متوازی‌الاضلاع و مقرنس، این مقبره را به یکی از شاهکارهای هنری شمال‌غرب دریای مازندران در دو دهه اول سده ۸ هجری تبدیل کرده است، به طوری که برخی از محققان هنر اسلامی «کاشی‌کاری آن را کامل‌تر از مقبره اولجایتو و مقرنس‌کاری محراب آن را برتر از مسجد جامع اردبیل دانسته‌اند» (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۸۸).

تاریخ بنا: هرچند روایت عمومی از انتساب بقعه مشکین شهر به پدر شاه اسماعیل صفوی حکایت دارد، تاریخ مندرج در بدنه استوانه، تعلق آن را به یکی از شخصیت‌های احتمالاً مذهبی هم‌زمان با شیخ صفی‌الدین اردبیلی به اثبات می‌رساند، ضمن آنکه اکثر منابع تاریخی نیز بر انتقال پیکر شیخ حیدر به اردبیل (خواندمیر، ۱۳۳۳:



در مدفن اصلی، یعنی اتاق چهارگوش، ۷ مزار وجود دارد که مقبره اصلی در ضلع جنوبی منتسب به صاحب مقبره با ضریح آهنی و شش مقبره در فضای شمالی است. دسترسی به فضاهای

۴ / ۵۰۲-۵۰۳) دلالت دارد. بنابراین، انتساب آن به مدفن پدر شاه‌اسماعیل با بیش از یکصد سال فاصله، قابل تأمل است. تا شروع طرح ساماندهی حریم بقعه و مستندنگاری تزئینات آن در ۱۳۸۰، دربارهٔ قدمت بقعه چند فرضیه مطرح بود: فردریش زارهٔ این بنا را به قرن ۹ هجری (هینتس، ۱۳۶۲: ۱۸۷) متعلق می‌داند؛ داغ بقایای خط کوفی و کتیبهٔ قائم نوار سردر شمالی مقبره تاریخ ۷۳۱ هجری (قوچانی، ۱۳۸۴: ۲۸۲) را نشان می‌داد که با نظر ویلبر که «بنای بقعهٔ شیخ حیدر از آثار سده‌های ۷ و ۸ هجری است و در دورهٔ صفویه تکمیل و کاشی‌کاری شده‌است» (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۸۸) مطابقت دارد.

قرباغلار توربه‌سی

قرباغلار گنبدی^۲ یا گودی‌خاتون^۳ توربه‌سی در روستای قرباغلار جمهوری خودمختار نخجوان جمهوری آذربایجان و در مختصات جغرافیایی ۳۹ درجه و ۱۵ دقیقهٔ عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۱۱ دقیقهٔ طول شرقی واقع است. اهمیت جغرافیایی این منطقه در عصر ایلخانان سبب شد که این نقطه نیز همانند دیگر شهرهای شمال‌غرب دریای مازندران چون اردبیل، مراغه و تبریز جایگاه قبلی خود را از دست ندهد و به عنوان تومان خصوصی شناخته‌شود، به طوری که «اصلاحات غازان‌خان این منطقه را به شکوفایی رساند. پس از ایلخانان، اراضی نخجوان به تابعیت آل‌چوپان، زمینداران اردوی زرین، جلایریان و مظفریان درآمد. در ۷۸۷ هجری، تیمورلنگ به نخجوان لشکر کشید و قلعهٔ الینجه به محاصره درآمد. مدافعان قلعه حدود ۱۴ سال در مقابل لشکریان تیمور مقاومت کردند. نخجوان در قرن ۹ هجری در ترکیب دولت

قراقویونلوها و آق‌قویونلوها قرارگرفت. در ۹۰۷ هجری، پس از غلبهٔ قزلباش‌ها در دشت شرور بر آق‌قویونلوها، نخجوان به حاکمیت صفویان و در سده‌های ۱۰ - ۱۱ هجری در تسلط کنگرها قرارگرفت» (میراحمدیان، ۱۳۸۲: ۳۰۵-۳۰۶).

مشخصات معماری: مقبره در دو طبقه شامل سردابهٔ تدفینی و برج استوانه‌ای طراحی شده‌است (تصاویر ۸ و ۹). سردابه و ازارهٔ آن با سنگ رتوش و ساقهٔ گنبد و سقف آن با قوسی نیم‌کروی آجری پوشیده شده‌است. پلان مدوَر با ده نیم‌استوانهٔ شکسته شده از بالای پشت‌بام دخمهٔ تدفینی مقبره شروع و به سوی بالا خیز می‌گیرند. ارتفاع برج مدوَر ۱۶ متر و قطر آن ۵ متر است. در چهارسوی آن چهار مدخل بالای کرسی‌چین سنگی قرار دارد که امکان دسترسی به داخل مقبره را میسر می‌سازند. سردر این مداخل با قابی تزئینی متشکل از اسلیمی و تاج‌های باریک و ظریف با مقرنسی آویزان تزئین شده‌اند. مدخل شمالی به سبب تورفتگی و پلاک کتیبه‌ای و تزئینات خاص، با دیگر مداخل متفاوت است. در کل، جدارهٔ بیرونی مقبره با آجرهای ساده و کاشی‌های فیروزه‌ای کوفی چهارگوش، پانل‌های تکراری با عبارت لاله‌الاله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله نقش بسته‌است و محل اتصال ساقهٔ برج به گنبد و زیر مقرنس این بخش، همانند دیگر مقابر این دوره، کتیبهٔ قرآنی داشته که در حال حاضر اثری از آن موجود نیست. داخل بنا دارای دوازده طاق‌نمای (نغول) گچبری شده بدون تزئینات خاص است.

تاریخ بنا: این اثر «در بین سال‌های ۷۳۵ تا ۷۳۸ هجری، هم‌زمان با حکومت ابوسعید ایلخانی و زیر نظر او برای جبهان گودی‌خاتون ساخته شد.



گنبد مزار از نوع دوپوش نیم‌پیزی است که بر روی ساقه گنبد به طرز نامحسوسی قرار گرفته است؛ به عبارتی، «بالای کتیبه ساقه برج، آهیانه گنبد هلالی از دایره با تزئیناتی برجسته بر بستر سفید قرار داده شده است» (یوسفی، ۱۳۸۷-۱۳۸۸: ۱۳۱). مصالح مورد استفاده در ساخت آرامگاه شیخ مانند دیگر بناهای تاریخی این دوره مشتمل بر آجر و سنگ با ملاط‌های آهکی و گچی است. از نقاط مهم، درج عبارت «روضه قطب‌الاقطاب شیخ صفی‌الدین اردبیلی» و نام بنا با عبارت «عمل العبد الفقیر الراجی الی عفو الصمد عوض بن محمد المرأغی» در بدنه مقبره است. اصل چشمگیر تزئینی بقعه، تنوع هنرهای مختلف مخصوصاً کتیبه‌نگاری آن با مضامین عرفانی و بیان سمبلیک و غلبه ادبیات عرفانی بر نقش‌های ظاهری است. تکرار کلمه الله به تعداد ۱۳۲ بار با کوفی مربع، بر تعداد اسماء‌الحسنی خداوند در آیات شریفه و کتب روایی و ادعیه مأثوره دلالت داشته و درج «لا» در بالای نوار کتیبه ساقه برج مقبره بر نفی غیر خدا، که پایه اعتقاد به توحید است، اشاره دارد. نقش گل‌های لاله در حاشیه تزئینی ترنج‌های بین الواح مزار شیخ و سقف رواق دارالحفاظ نیز تمثیلی از خداست، چراکه لاله برابر ابجد ۶۶ معادل کلمه الله (یوسفی و گلمغانی‌زاده اصل، ۱۳۸۹: ۱۸۶) و نقش مرغان تمثیلی از انسان کامل و فرشته است. به تعبیری دیگر، تمام متون منتخب در این مزار بر علم و معرفت‌شناسی (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۴-۴۵)، فقر و فنا و مراحل و مقامات آن تأکید دارد. تنوع آیات و احادیث عرفانی مندرج در پانل مستطیلی برآمده و فرورفته بقعه به بیان حالات یا منازل عرفانی یعنی طلب (خودشناسی و



تصویر ۸. نمای مقبره قراباغلار (منبع: دکتر علی معلم)



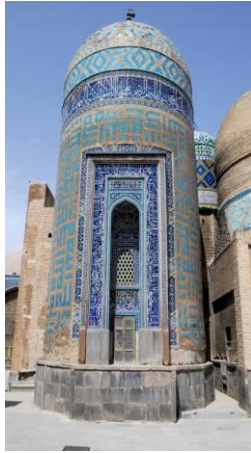
تصویر ۹. تزئین بدنه برج مقبره قراباغلار توربه‌سی

مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی

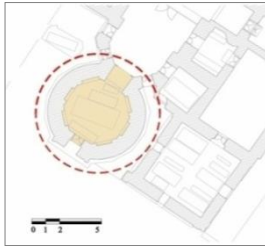
بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی با مختصات جغرافیایی ۳۸ درجه و ۱۴ دقیقه و ۵۲ ثانیه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۱۷ دقیقه و ۲۷ ثانیه طول شرقی در شانزدهم مرداد ۱۳۸۹ در فهرست آثار جهانی یونسکو قرار گرفت.

مشخصات معماری: این مزار همانند مقابر مدوَر سده ۸ هجری، دارای کرسی چینی سنگی به شیوه آذری و سبک دوره اول است. ارتفاع گنبد برجی ۱۸٫۸۳ متر و قطر آن ۶ متر بر پایه هشت ضلعی منتظم ساخته شده است. در زیر فضای اصلی، دخمه تدفین محقر بسته‌ای وجود دارد که پیکر شیخ در پهنه کوچک آن آرمیده است (تصاویر ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳).

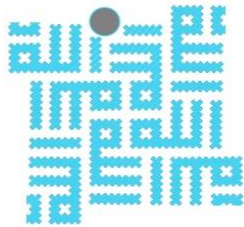




تصویر ۱۱. نمای غربی مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی (منبع: نگارنده)



تصویر ۱۲. پلان مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی (منبع: مرکز اسناد میراث فرهنگی)



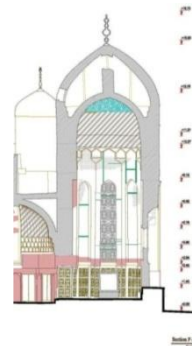
تصویر ۱۳. تزیین بدنه مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی (منبع: نگارنده)

مقبره گوی گنبد

گوی گنبد (گنبد کبود) در روستایی به همین نام در استان آذربایجان شرقی بخش خاروانا و ۷۰ کیلومتری شرق شهرستان ورزقان با مختصات جغرافیایی ۳۸ درجه و ۳۸ دقیقه و ۲۴ ثانیه عرض شمالی و ۴۶ درجه و ۱۶ دقیقه و ۲۵ ثانیه طول شرقی قرار دارد. این مزار مدوّر در سال ۱۳۷۸ با شماره ۲۵۱۵ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

معرفت‌شناسی)، تهذیب اخلاق، ذکر، شوق و اضطراب، عشق، سکر و حیرت، فنا و بقا، توحید، مراقبه، قرب، محبت، خوف، رجا، شوق و انس، مشاهده، یقین، اطمینان و ذکر اشاره می‌کند. در الواح شانزده‌گانه و حاشیه تزیینی دو مدخل محرابی مزین به آیات، که شامل سوره‌های آل عمران: ۱۸-۱۹، الواقعة: ۱۰-۱۲، المؤمن یا غافر: ۶۵، الانعام: ۱۶۲-۱۶۳ و ۱۰۲-۱۰۳ و ۷۹، الشوری: ۱۹، الاسراء: ۸۰، النساء: ۹۵، یونس: ۶۲-۶۳ و ۲۵، محمد: ۱۹، فصلت: ۳۰، الطور: ۱۷ و داخل مزار سوره فتح: ۱-۵ است، بر توحید و فقر و فقردوستی و معرفت‌شناسی، وعده بهشت و توصیف آن، یگانگی و رزاقیت خدا، ذکر و دعا، عبادت، بخشش گناهکاران، جهاد و دفاع تأکید ورزیده است.

تاریخ بنا: حسب خبر مندرج در *صفوة الصفا* در ارتباط با سفارش ساخت صندوق چوبی مزار شیخ صفی‌الدین اردبیلی در تبریز (ابن‌بزاز اردبیلی، ۱۳۷۳: ۱۰۲۴) و برگزاری مراسم تلاوت و دعا در ساختمان حظیره (همان: ۹۸۹)، می‌توان حدس زد که مزار شیخ و تالار دارالحفاظ در ۷۵۰ هجری و قبل از ۷۷۰ هجری ساخته شده بود.



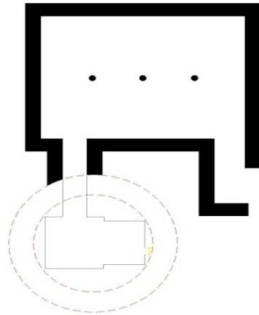
تصویر ۱۰. مقطع مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی (منبع: مرکز اسناد میراث فرهنگی)



مزار به یکی از شخصیت‌های گمنام سیاسی اواخر عصر ایلخانی به جای حاکمان ترکمانان نسبت داده‌شود.



تصویر ۱۴. نمای گوی گنبد ورزقان (منبع: نگارنده)



تصویر ۱۵. پلان گوی گنبد ورزقان (منبع: مرکز اسناد میراث فرهنگی)



تصویر ۱۶. تزئین بدنه گوی گنبد ورزقان (منبع: نگارنده)

زینال‌بی توربه‌سی

زینال‌بیگ فرزند ارشد اوزون‌حسن (هینتس، ۱۳۶۲: ۱۷۸، ۱۸۹) آق‌قویونلو است که بعد از درهم‌شکستن قدرت قراقویونلوها، از طرف پدر حاکم کرمان (همان: ۷۱) شد. آرامگاه زینال‌بیگ در شهر حصن‌کیف^۴ در ساحل شمالی رودخانه دجله،

مشخصات معماری: گوی‌گنبد از نظر پلان، اندازه، مصالح و نوع اجرا مشابه مقابر معاصر خود است (تصاویر ۱۴ و ۱۵ و ۱۶). ارتفاع باقی‌مانده از این مقبره حدود ۷ متر و قطر آن ۴,۷۵ متر بوده و ازاره آن با سنگ و ساقه برج آرامگاه با آجر چهارگوش ساخته شده است. کف محوطه فضای اصلی مزار نیز با آجرهای ۲۰ در ۲۰ سانتیمتر و کاشی‌های فیروزه‌ای، سیاه، نیلی و لاجوردی پوشیده شده است. این اثر بیش از ۱۵۰ سانتیمتر از زمین‌های اطراف بلندتر بوده و در دو طبقه با سردابه تدفینی با سقف کوتاه و فضای مدوّر بالای آن ساخته شده است. از کم و کیف گنبد فروریخته آن اطلاعی در دست نیست. دسترسی به سردابه مزار از طریق راهرویی با ۳ پله به طول ۳۷۳ سانتیمتر و عرض ۶۶ سانتیمتر در شرق امکان‌پذیر است. در بدنه بنا، خطوط کوفی مربع متقارن با اسماء الله و محمد با استفاده از آجرهای لعابدار فیروزه‌ای عمودی در میان آجرهای ساده افقی ایجاد شده است. ترکیب آجرکاشی در بدنه اثر سبب شده بنا به گنبد الله‌الله معروف گردد. در چهارسوی اصلی این بنا، چهار مدخل تعبیه شده که در اصلی سمت مقابل قبله قرار دارد و سه مدخل دیگر به طرز مسبک با آجر مسدود شده است. بر پایه بقایای موجود و داغ کتیبه و کاشی‌کاری موجود در کادر مستطیل این بخش، مخصوصاً حاشیه ورودی‌های چهارسو، کاشی معرق و پیشانی سردر جناغی با کتیبه‌ای مزین بوده است که هنوز روی مقرنس‌های آن بقایای اندک کاشی‌کاری معرق نیلی دیده می‌شود.

تاریخ بنا: وجود پیکره‌های سنگی شیر و قوچ در پیرامون این اثر و قبرستان تاریخی در سمت شمالی روستای گوی‌گنبد، سبب شده این



نزدیک جادهٔ مواصلاتی ایالت باتمان با مختصات جغرافیایی ۳۷ درجه و ۴۲ دقیقه و ۹۴۳ ثانیه عرض شمالی و ۴۱ درجه و ۲۴ دقیقه و ۳۵۹ ثانیه طول شرقی واقع است. این مقبره نشان‌دهندهٔ قلمرو حاشیهٔ غربی مقابر برجی در آناتولی شرقی (تصاویر ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰) هم‌زمان با تسلط امپراتوری عثمانی در ۹۲۰ هجری در جنگ چالدران بر این منطقه است. موقعیت مناسب و اهمیت تجاری حصن کیف در دورهٔ اسلامی سبب شد که این شهر به یکی از مراکز مهم اقتصادی در جادهٔ ابریشم تبدیل شود. یورش مغول به این شهر در ۶۵۹ هجری، آن را به صورت ویرانه‌ای درآورد. این شهر بعداً به عنوان تابستان‌گاه امیران آق‌قویونلو درآمد و رو به توسعه گذاشت. یادآور می‌شوند:

شبهات بخش اعظم مقابر برجی سده‌های میانی آناتولی به یک سرمشق ایرانی، قطعی است. معماران آنها قانع بودند که شکل‌های آجری ایرانی را بدون کوچک‌ترین تغییراتی به سنگ برگردانند و حتی تزیینات آجری و گچی ایرانی را به زبان سنگ بیان کنند. از این رو، به‌نظر می‌رسد که از مقابر پیش از دورهٔ عثمانی در آناتولی، که به شکل یک میلهٔ استوانه‌ای یا چندضلعی با کلاهکی مخروطی یا هرمی‌اند و به استثنای تعداد معدودی تربت‌ها در سیواس، دیوریچی و دیگر جاها که با آجر کار شده و دارای نمایی از نوع ایرانی‌اند و نام استادکاران را از اران، مرنند، مراغه و دیگر شهرهای ایرانی بر خود دارند، مصالح به‌کاررفته در بقیهٔ آنها سراسر سنگ است (هیلن‌براند، ۱۳۸۷: ۲۹۷، ۳۰۲).

مشخصات معماری: این مقبره از داخل هشت‌ضلعی و از بیرون مدوَر است. ارتفاع آن ۱۶،۵۰ متر و قطرش ۵،۶۸ متر است. بنا دارای

گنبد نیم‌کروی پیازی‌شکل است. در جدارهٔ بیرونی اثر و لابه‌لای آجرهای ساده، طراحی خلاقانهٔ عبارات الله محمد احمد علی با آجر و کلوک لعابداری آبی کبود و فیروزه‌ای کار شده و آن را به نمونهٔ عالی در میان مقابر مدوَر شمال‌غرب دریای مازندران تبدیل کرده‌است. علاوه بر آن، نقش «لا» (لااله الاالله) در بالاترین قسمت ساقه، از تأثیر هنری اران و آذربایجان حکایت دارد. آرامگاه دارای دو مدخل قوسی محرابی در دو سوی شمالی و جنوبی از کاشی معرق است. کتیبهٔ پیشانی سردر جنوبی عبارت «هذه روضه السلطان السعيد الخاقان الشهيد زينل بيگ بن السلطان حسن بهادرخان طاب الله ثراه» را دارد که بیانگر تدفین یکی از فرزندان اوزون‌حسن در آن است. در کمر سردر جنوبی عبارت «عمل پيرحسين بن استاد عبدالرحمن» به معمار یا بنای اثر یعنی پیرحسین فرزند استاد عبدالرحمن اشاره دارد. همچنین، در چهار محور اصلی آن و در محل اتصال ساقه به گنبد، چهار روزنه برای تهویه و تأمین روشنایی تعبیه شده‌است. تاریخ بنا: زین‌المیرزا که در نبرد با سلطان محمد دوم عثمانی در نبرد ۸۷۷-۸۷۸ هجری کشته شد، گنبد استوانه‌ای بر روی مزارش ساخته شد. هرچند برخی محققان معتقدند که الگوی اولیهٔ شکل استوانه‌ای این مقبره را در آثار ترکیه که پیشتر ساخته شده می‌توان یافت، اما گنبد پیازی و تزیین آجر و کاشی معرق به استفاده از سبک و شیوهٔ تیموری صراحت دارد (بلر و بلوم، ۱۳۸۵: ۶۶).

سبک هنری مورد بحث، در اصل، تداوم معماری نواحی اران و آذربایجان است که بنیاد آنها از سدهٔ ۸ هجری آغاز شده بود.

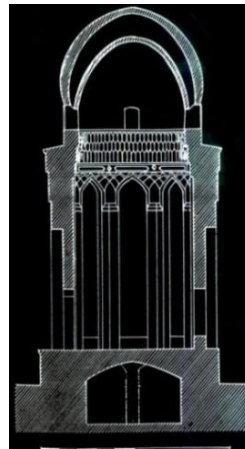


نتیجه‌گیری

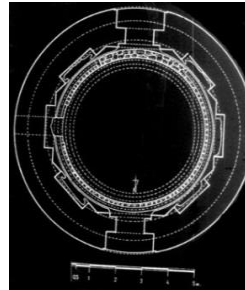
سنت ساخت مقابر در تمام دوره اسلامی رایج بوده‌است، ولی تاریخ مقابر برجی چندضلعی ایران در حاشیه جنوبی دریای مازندران به سده ۴ هجری می‌رسد. به بیان دیگر، ساخت برج مقابر در معماری ایران در سده‌های ۴ - ۶ هجری مقبولیت یافت (هیلن‌براند، ۱۳۸۷: ۲۸۲) و در مرحله بعد، سبک کاشی‌کاری محدود‌نگین‌کاری در داخل شیارهای آجری یادمان‌های مذهبی گنبد سرخ (۵۴۲ق)، برج مدوّر (۵۶۳ق) مراغه و گنبد سلطانیه (۷۰۲-۷۱۲ق)، جامع عتیق اردبیل (سلجوقی اتابکی)، برج‌های خرقان (۴۶۰ق) و مقبره خواجه اتابک کرمان (۵۳۰ق) رایج گردید، ولی ساخت مقابر مدوّر در نیمه اول سده ۸ هجری آغاز شد و تا اواخر عصر آق‌قویونلو ادامه یافت. شکل و تزیین خاص مقابر مدوّر شمال‌غرب دریای مازندران در سده‌های ۸ و ۹ هجری (شکل‌های ۱۶ تا ۲۱)، آنها را از دیگر مقابر و دوره‌ها متمایز می‌کند. در این دوره بیش از ۲۰۰ ساله، «بناهای مذهبی و غیرمذهبی با فرم و مصالح و تزیین خاص متداول شده و تا عصر تیموریان ادامه یافته‌است. تعدد مقابر برجی شکل این دوره سبب شده که این عصر، دوره رونق مقابر استوانه‌ای قلمداد شود» (ویلیز و گلمبک، ۱۳۷۴: ۳۷). به عبارتی، دو دهه آخر ایلخانی، نقطه شروع ساخت مقابر مدوّر و اوج‌گیری آن هم‌زمان با افول حکومت مغول در عصر ابوسعید و آغاز حکومت جلایری تا اواخر سده ۹ هجری است. بررسی تاریخ فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نواحی شمال‌غرب دریای مازندران در نیمه دوم سده ۷ تا نیمه دوم قرن ۹ هجری، دوران حاکمیت ایلخانان، آل‌چوپان،



تصویر ۱۷. نمای مقبره زینال‌بیگ (منبع: پروفیسور جیلان)



تصویر ۱۸. مقطع مقبره زینال‌بیگ (منبع: پروفیسور جیلان)



تصویر ۱۹. پلان مقبره زینال‌بیگ (منبع: پروفیسور جیلان)



تصویر ۲۰. تزیین بدنه مقبره زینال‌بیگ (منبع: پروفیسور جیلان)



جلایریان، ترکمانان قراقویونلو و آق‌قویونلو بیانگر این موضوع مهم است که حضور ایلخانان و ترکمانان در پهنه وسیع دشت‌های حاصلخیز این منطقه و انتخاب مراکز سیاسی سده‌های مورد بحث نه تنها در سبک هنر معماری این ناحیه، بلکه در توسعه تفکر تصوّف نقش اساسی داشته‌است؛ ضمن آنکه نباید بحث تجانس قومی و سیمای زمین‌ساختی و اقلیم یکسان را در ایجاد مقابر مدوّر همسان نواحی شمال‌غرب دریای مازندران تا آناتولی شرقی نادیده گرفت. این موضوع بیانگر بنیاد سبک جدیدی در ایجاد یادمان‌های آرامگاهی است که از آن می‌توان تحت عنوان مکتب آذری یا اران - آذربایجان نام برد. دستاورد مهم تحقیق، شناسایی شش یادمان تدفینی مدوّر همسان در قفقاز جنوبی و استان‌های آذربایجان شرقی، اردبیل و آناتولی شرقی است. مشخصات عمده این آثار عبارت‌اند از: نقشه مدوّر، هشت یا ده و دوازده ضلعی، ظرافت هندسی تزیینات کتیبه‌ای بدنه برج، کرسی چینی سنگی در شالوده بنا، تأکید بر ارتفاع، وجود نوار کتیبه‌ای قرآنی با کاشی معرق در محل اتصال برج به سقف گنبدی، ایجاد خطوط کوفی مربع‌شهادتین و آیات قرآنی به طرز متقارن عمودی - افقی یا اریب الله محمد احمد علی و گاه تزیین معقلی با تکنیک فضای روشن و تیره از طریق کاربرد تقریباً برابر کلوک یا آجرهای لعابدار فیروزه‌ای و لاجوردی. افزون بر این، طراحی سردابه محقر در زیر فضای گنبدخانه، تعبیه مدخل و سه روزنه دیگر با تزیینات کاشی معرق پرکار کتیبه‌ای و غیرکتیبه‌ای از ویژگی‌های آنهاست (جدول ۱). از این تعداد، چهار مقبره: بردع توره‌سی، بقاع شیخ حیدر، شیخ صفی‌الدین و قراباغ‌لار توره‌سی به دوره اول یعنی دوره گذار

هنر معماری از ایلخانی به تیموری و دو مقبره دیگر، گوی‌گنبد و زینال‌بیگ توره‌سی، به دوره دوم سبک متعلق است. از این مقابر یک نمونه به یکی از زنان عصر ایلخانی، دو نمونه به عرفای مسلمان و بقیه به حاکمان سیاسی اختصاص دارد. بنابراین، بیشتر صاحبان برج مقابر سده‌های مورد بحث همانند مقابر مدوّر سده میانه، به بزرگان سیاسی و حذاقل آنها به عارفان نامدار یا گمنام تعلق دارد. در این میان، مقبره شیخ صفی‌الدین از نظر فنی و پدیدارشناسی هنری و تجلی عرفان اسلامی به عنوان برجسته‌ترین نمونه چنین مقابر استوانه‌ای به‌شمار می‌رود. شاید مهم‌ترین برجستگی این مقبره در تاریخ تحولات معماری جهان اسلام، روند گذار از معماری خانقاهی به یک مرکز زیارتگاهی باشد. این مقبره در مقایسه با مقابر برجی این عصر و سده ۹ هجری، از نظر کاربرد خطوط متنوع قرآنی و حدیثی و انواع هنرهای اسلامی، نمونه پیشرفته هنر معماری محسوب می‌شود. شاید، همین اهمیت سبب شده برخی تصور کنند بعد از برج مزار شیخ صفی‌الدین اردبیلی، به دلایل نامعلوم، چنین سبکی در دوره‌های بعد تداوم نیافته‌است و حوزه جغرافیایی رواج آن تنها در منطقه شرق آذربایجان مخصوصاً استان اردبیل امروزی در ایران و قراباغ [جمهوری] آذربایجان در مجاورت آن است (حسینی، ۱۳۸۹: ۶۴). در حالی که نتیجه بررسی از تأثیر مستقیم برج مقبره شیخ صفی‌الدین اردبیلی در معماری برج مقابر گوی‌گنبد و زینال‌بیگ (یوسفی و گلمغانی‌زاده اصل، ۱۳۸۹: ۴۴-۴۵)، حاکی از تداوم یکصدساله ساخت این مقابر است. فلسفه بنیاد این شیوه معماری در سده‌های مورد بحث در بخش مشخصی از ایران فرهنگی، تأثیر دین و سیاست،



تعالی معرفت‌شناسی اسلامی، هویت جمعی متجانس فرهنگی و قومی، نقش حاکمیت سیاسی، تأثیر زبان بومی منطقه، اهمیت طریقت و شخصیت‌های مذهبی - سیاسی این نواحی و مقبولیت این شیوه معماری در مناطق جغرافیایی یاد شده است. نکته آخر اینکه هرچند زمین‌سیمای یکسان مناطقی مثل شمال‌غرب نواحی دریای مازندران مانند آتاتولی شرقی، قفقاز و آسیای مرکزی تفاوت‌های اساسی با شرایط زمین‌سیمای فلات ایران دارد، همانندی‌های فرهنگی بین این

مناطق با فلات ایران به سبب گستره وسیع ایران در دوره‌های مختلف پیش از تاریخ تا عصر متأخر - قطعی به نظر می‌رسد. بنابراین، ایرانیان هر قدر که تنوع قومی و یا زبانی با حکومت‌های سیاسی مختلف و سرحدات متغیر داشته باشند، باز هم می‌توان نوعی فرهنگ یکپارچه را بین آنان که بیشتر در هنر متجلی است، مشاهده کرد. این مقابر از منظر نمادین نیز بیانگر شعایر و اهداف سیاسی جوامع اسلامی و نشانه حوزه گسترده اسلام در نواحی مطالعه شده است.

جدول ۱. متغیرهای مقابر مدوّر سده‌های ۸ - ۹ هجری حوزه شمال‌غرب دریای مازندران

بفجه	تاریخ اثر به هجری	محل	مشخصات معماری			معمار/ بنا	طرح				
			ارتفاع	قطر	عبارت		آجر لعابدار		آجر ساده		
							عمودی	اریب	کلوک	افقی	اریب
بردع توریسی	۷۲۴	جمهوری آذربایجان: بردع	۱۴	۹،۳۰	الله / قرانی	محمد بن احمد (ایوب) بن الحافظ البناء النخجوانی	☼			☼	
شیخ حیدر	۷۳۱	ایران: مشکین‌شهر	۱۸	۱۰،۹	قرانی	-----		☼			☼
گودی‌خاتون	۷۳۵ تا ۷۳۸	نخجوان/ قراباغلار	۱۶	۵	شهادتین	-----					☼
شیخ صفی‌الدین اردبیلی	۷۳۵ - ۷۴۵	ایران: اردبیل	۱۸، ۸۳	۶	الله/ احادیث	عوض بن محمد العرافی				☼	☼
گوری گنبد	نیمة دوم سده نه هجری	ایران: روستای گوری گنبد	۷	۴،۷۵	الله محمد	-----					☼
زینالبیگ	نیمة دوم سده نه هجری	ترکیه: حصن کیف	۱۶،۵	۵،۶۸	الله محمد احمد علی	عبدالرحمن اوغلی پیرحسن				☼	☼

کوهستانی شمال‌غرب دریای مازندران است. برخی اوقات گورها با سنگ‌های دایره‌ای Cromlech احاطه شده است که دولمن یا منهیر در مرکز کروملیک قرار می‌گرفت.

۲. Qarabaglar Türbasi

۳. Gudikhatun

۴. Hasankeyf

منابع

۱. آموزگار، ژاله؛ و احمد تفضلی (۱۳۷۵). *اسطوره زندگی زرتشت*، تهران: چشمه.

قردانی

نگارندگان در تدوین مقاله از اسناد تصویری پروفیسور آلپ اصلان جیلان، استاد دانشگاه آتاتورک ارزروم، و دکتر علی معلم حسین اوغلو، استاد مؤسسه فولکور دانشگاه دولتی آکادمی علوم آذربایجان در باکو، بهره بسیار بردند؛ از ایشان به خاطر کمک‌هایشان سپاسگزار هستیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. کورگان‌های سردابی شبیه دولمن و با گورهایی در سردابه‌ها یا جعبه‌های سنگی زیر آن از ویژگی‌های ناحیه



۲. ابن‌بزار اردبیلی، توکلی‌بن‌اسمعیل (۱۳۷۳). *صفوة‌الصفاء*، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز: مصحح.
۳. باسورث، ادموند کلیفورد (۱۳۸۱). *سلسله‌های اسلامی (راهنمای گاهشماری و تبارشناسی)*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز).
۴. بلر، شیلا؛ و جاناتان. ام بلوم (۱۳۸۱). *هنر و معماری اسلامی*، ترجمه یعقوب آژند، ج ۲، تهران: فرهنگستان هنر.
۵. بلر، شیلا؛ و جاناتان. ام بلوم (۱۳۸۵). *هنر و معماری اسلامی*، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران: سروش.
۶. پوپ، آرتور اپهام (۱۳۸۱). «مقام هنر ایرانی»، مجموعه *مقالات سنت و فرهنگ*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷. حسینی، هاشم (۱۳۸۹). «معرفی سبک مقبره‌سازی متصوفه در آذربایجان»، *نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، ش ۴۳.
۸. چایچی امیرخیز، احمد (۱۳۸۴). *گوردخمه‌های ایران*، تهران: سمیرا.
۹. خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۳۳). *تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افرادالبشر*، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، ج ۴، تهران: کتابفروشی خیام.
۱۰. دانشوری، عباس (۱۳۹۰). *مقابر برجی سده‌های میانی ایران (مطالعه‌ای نگاره‌شناختی)*، ترجمه جواد نیستانی و زهره ذوالفقاری کندی، تهران: سمت.
۱۱. قوچانی، عبدالله (۱۳۸۴). «مقبره شیخ حیدر بنایی از دوره ایلخانی»، *چکیده مقالات کنگره طرح احیای ربع رشیدی و فرهنگ و تمدن*
- ایران عصر ایلخانی*، به اهتمام علیرضا خزانلی، تبریز: دانشگاه تبریز.
۱۲. میراحمدیان، بهرام (۱۳۸۲). *بررسی کشورشناسی؛ جمهوری آذربایجان*، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۳. ویلبر، دونالد نیوتن؛ و لیزا گلمبک (۱۳۷۴). *معماری تیموری در ایران و توران*، ترجمه کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۱۴. ویلبر، دونالد نیوتن (۱۳۶۵). *معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان*، ترجمه عبدالله فریار، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۵. ویلبر، دونالد نیوتن (۱۳۸۹). *سیر تحوّل کاشیکاری در معماری ایران (دوره اسلامی)*، ترجمه و تعلیق ربابه‌خاتون پیله‌فروش، تهران: چهارطاق.
۱۶. هژبر نوبری، علیرضا (۱۳۸۹). *گزارش مقدماتی سومین فصل کاوش‌های باستانشناختی گورستان باستانی لاریجان خلدآفرین*، تهران: سازمان میراث فرهنگی (چاپ‌نشده).
۱۷. همایون، غلامعلی (۱۳۶۳). *معماری ایران*، گردآورنده آسیه جوادی، ج ۱، تهران: مجرد.
۱۸. هیل، درک؛ و اولگ گرابر (۱۳۸۶). *معماری و تزیینات اسلامی*، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۹. هیلن‌برانند، رابرت (۱۳۷۹). *مقابر معماری دوره اسلامی*، گردآورنده محمدیوسف کیانی، تهران: سمت.
۲۰. هیلن‌برانند، رابرت (۱۳۸۷). *معماری اسلامی: شکل، کارکرد و معنی*، ترجمه دکتر باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: روزنه.



۲۱. هیتس، والتر (۱۳۶۲). تشکیل دولت ملی در ایران، ترجمه کیکاوس جهان‌داری، تهران: خوارزمی.
۲۲. یوسفی، حسن؛ و همکاران (۱۳۹۲). «تحلیلی بر علم و معرفت‌شناسی طریقت صفوی، بر اساس مضامین کتبی‌های مجموعه مذهبی شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، چکیده مقالات نخستین همایش علمی بین‌المللی شیخ‌العارفین سید صفی‌الدین اردبیلی: به مناسبت هفتصدمین سالگرد رحلت، به کوشش سید سلمان صفوی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۲۳. یوسفی، حسن؛ و ملکه گلمغانی‌زاده اصل (۱۳۸۹). هنرهای شیعی در مجموعه تاریخی و فرهنگی شیخ صفی‌الدین اردبیلی، اردبیل: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی یاوریان.
۲۴. یوسفی، حسن (۱۳۸۸-۱۳۸۷). «گذری به مجموعه تاریخی و فرهنگی شیخ صفی‌الدین اردبیلی»، فصلنامه میراث ملی: میراث فرهنگی، ش ۳ و ۲.
- Aslanapa, Oktay (1979). *Kirimve Azerbaycan'da TürkEserleri*, Istanbul: Baha Matbaasi.
- Bosworth, C. E. (1983). "Barda'a", *The Encyclopedia of Islam*, Vol. I, Leiden: E. J. Brill.

